

تبیین نقش رقابت‌پذیری کلان‌شهری در توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران)^۱

اسماعیل امیدعلی - گروه شهرسازی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
زهره فنی* - گروه شهرسازی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران و دانشیار و عضو هیئت علمی گروه جغرافیای انسانی و
آمایش دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران
ناصر شفیعی ثابت - گروه شهرسازی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران و دانشیار و عضو هیئت علمی گروه جغرافیای
انسانی و آمایش دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۴

چکیده

رقابت مهم‌ترین ابزار برای جذب مزیت‌ها و موقعیت‌ها به شکل صحیح است. در اندیشه برنامه‌ریزی توسعه شهری پرداختن به توسعه کلان‌شهرها به مثابه یکی از اصلی‌ترین پایگاه‌های تولید و توزیع ثروت و ارزش افزوده به‌شمار می‌رود. در چنین شرایطی، اهمیت نواحی اداری-سیاسی با کارکردهای ملی و فراملی افزایش می‌یابد؛ به طوری که نواحی پیرامونی آن از جریان‌های اجتماعی-اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. بررسی این تأثیرات می‌تواند بازخورد رقابت‌پذیری نواحی کلان‌شهری را بازگو کند. بنابراین، هدف کلی پژوهش بررسی نقش رقابتی کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای است. روش تحقیق از نوع پیمایشی است؛ تحقق هدف فوق و شناخت دقیق ابعاد مسئله در گرو مطالعه، بررسی، و تحلیل دیدگاه‌های صاحب‌نظران است که به دنبال مقدمه پژوهش به آن پرداخته خواهد شد. پیش‌فرض پژوهش بر این گزاره که «توسعه منطقه‌ای نتیجه نقش و تأثیر رقابت‌پذیری کلان‌شهر (تهران) است» استوار شده است. این تحقیق از نوع کاربردی و در آن نوع پرسش‌نامه از نوع محقق‌ساخته است. جامعه آماری تحقیق را ۷۰ نفر از استادان و اعضای هیئت علمی تشکیل می‌دهد که داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS و Lisrel اندازه‌گیری شد. بر اساس آزمون میسر-می بر و اولین و با توجه به اینکه مقدار آن برابر با ۰/۷۲+ است، قضاوت درباره آن در حد خوب گزارش می‌شود. با توجه به مقدار مجذور گای و سطح معناداری آزمون کروی ات بار تلت ($X^2=62/15$ و $P<0/01$) نتیجه گرفته می‌شود که بین عامل‌ها همبستگی وجود دارد. ملاحظه می‌شود که همه مؤلفه‌ها با نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای دارای همبستگی قابل قبول‌اند.

کلیدواژه‌ها: توسعه منطقه‌ای، تهران، رقابت‌پذیری شهری، کلان‌شهر.

۱. مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با نام «تبیین جایگاه و کارکردهای مناطق کلان‌شهری در توسعه منطقه‌ای ایران» است که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب انجام شده است.

مقدمه

رقابت‌پذیری اقتصادی مناطق و شهرها توانایی اقتصاد شهری برای جذب و حفظ مشتریان با بازارهای در حال رشد یا پایدار است که استاندارد زندگی افرادی که در آنجا زندگی می‌کنند را افزایش می‌دهد. گزارش رقابت‌پذیری اروپا نیز این مفهوم را به معنای افزایش استاندارد زندگی یک ملت یا منطقه با حداقل سطح بیکاری داوطلبانه تعریف می‌کند. همچنین برخی رقابت‌پذیری را توانایی یک کشور یا منطقه برای ایجاد رفاه تعریف کرده‌اند (لنگیل، ۲۰۱۶). این مفهوم در سطوح مختلف جغرافیایی از کلان تا خرد استفاده می‌شود. محققان رقابت‌پذیری شهری تأکید می‌کنند که شهرها برای جذب سرمایه‌گذاری، جمعیت، نیروی کار، بودجه، گردشگر، و سایر بخش‌ها با یکدیگر رقابت می‌کنند. بنابراین، رقابت‌پذیری شهری شامل شرایطی است که باعث جذابیت آن شهر یا منطقه نسبت به رقبای خود در زمینه موردنظر می‌شود (سیبینسکین و اسنيسکین، ۲۰۱۵).

شاخص‌های رقابت‌پذیری شهری شالوده اصلی یک برنامه جامع و ابزار ضروری سنجش و برنامه‌ریزی رقابت‌پذیری است. شاخص‌ها به سیاست‌گذاران شهری کمک می‌کند تا تصویر روشن‌تری از شرایط رقابت‌پذیری شهر در گذشته، حال، و آینده داشته باشند و سیاست‌ها و راهبردهای مناسبی برای آینده اتخاذ کنند (سینگال و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۲۰).

در ارتباط با رویکردهای مختلف سیاست‌گذاران شهری در جهت بهبود وضعیت اقتصادی شهرها به‌خصوص ارتقای جایگاه شهرهای خود در رتبه‌بندی جهانی، گزارش «شاخص قدرت شهر جهانی» در سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد که شهرهای اروپایی در سال‌های گذشته بر روی دو بخش «زیست‌پذیری» و «محیط زیست» تمرکز کرده و قدرت خود را در این بخش‌ها کسب کرده‌اند. اما شهرهای آسیایی محور تمرکز خود را در شاخص‌های اقتصادی به‌دست آورده‌اند. شهر لندن، به‌عنوان رتبه اول این شاخص، محورهای اقتصادی و تعاملات فرهنگی و شهر نیویورک، به‌عنوان شهر دوم، محورهای اقتصادی، تعاملات فرهنگی، و زیست‌پذیری قدرت شهری خود را افزایش داده است (مؤسسه راهبرد توسعه شهری، ۲۰۱۷).

در منابع اقتصادی، دیدگاه‌های مختلفی در خصوص عوامل اصلی توسعه منطقه‌ای وجود دارد. برخی بر آن‌اند که سرمایه‌گذاری ثابت در شرکت‌های پیشرو عامل اصلی کشش در منطقه است؛ رشد مداوم شرکت‌های اقتصادی در چین این دیدگاه را تأیید می‌کند. برخی دیگر بر این باورند که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها عامل اصلی در توسعه مناطق است. بازاریابی دیدگاه دیگری در تعیین عوامل اصلی توسعه منطقه‌ای است که بر پایه شناخت ابزار به‌منظور برجسته کردن کشش یا جذابیت در مناطق است. مسئولیت‌پذیری شرکت‌های اجتماعی نیز به‌عنوان عاملی مهم در توسعه منطقه‌ای مطرح است. این ویژگی به‌طور مستقیم شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سادیرتدینوف و رودنیانسک، ۲۰۱۴).

محوریت توسعه مناطق در این سیاست‌گذاری‌ها مناطق کلان‌شهری است که با تراکم زیاد جمعیتی شناخته می‌شوند (لانگ و نوکس، ۲۰۱۱) و سرعت توسعه در آن‌ها متناسب با تراکم جمعیت در نواحی مختلف تغییر می‌یابد. الگوهای فضایی و جمعیت دو مؤلفه تأثیرگذار بر روند توسعه منطقه‌ای‌اند که با تحلیل روابط میان آن‌ها می‌توان به انسجام مناطق کلان‌شهری در سطح ملی پرداخت. عده‌ای بر آن‌اند که در حال حاضر که روند تحولات توسعه در مناطق کلان‌شهری به سمت تمرکززدایی است (انجل و بلی، ۲۰۱۵)، ادامه این روند می‌تواند تهدیدی جدی برای ساختار اجتماعی-اقتصادی و به‌خصوص محیط طبیعی و زیست منطقه باشد؛ زیرا تحولات اراضی ساخته‌شده در مقیاس منطقه بر ساختار سکونت و چرخه زیستی (لاک و واو، ۲۰۰۲: ۳۲۷)، ساختار حمل‌ونقل، کاربری اراضی، ساختار اجتماعی و اقتصادی، و پایداری محیط طبیعی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، با پذیرش این تعریف، کلان‌شهر رقابت‌پذیر «کلان‌شهری است که در فضای

جغرافیایی ملی نسبت به سایر رقبا (کلان‌شهرها) دارای مزیت رقابتی اقتصادی، زیست‌محیطی، فرهنگی- اجتماعی و امنیتی باشد».

عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، و زیست‌محیطی هر یک به سهم خود در رقابت‌پذیری کلان‌شهر اثرگذار است و در صورت ناشناخته‌ماندن مزیت نسبی کلان‌شهرها در رقابت‌پذیری برنامه توسعه کلان‌شهرها در مسیر اصلی قرار نخواهد گرفت و سرمایه‌گذاری‌ها در عمل کم‌بهره خواهد بود. افزون بر آن، ادامه این روند نابرابری‌های منطقه‌ای را در فضای ملی افزایش می‌دهد و در بُعد فراملی نیز فرصت‌ها و قابلیت‌های رقابت‌پذیری را از کلان‌شهرها سلب می‌کند. طبق آخرین گزارش رقابت‌پذیری جهانی در سال ۲۰۱۷-۲۰۱۶، جایگاه کشور ایران نسبت به گزارش پیشین، که در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۶ و با حضور ۱۴۰ کشور انجام شده بود، با دو رتبه سقوط، در جایگاه هفتادوششم جهان قرار گرفته است.

ایران با ۷۲ سال سابقه برنامه‌ریزی (از سال ۱۳۲۷ شمسی) از پیشگامان تفکر برنامه‌ریزی توسعه در جهان است (منصوری، ۱۳۸۹). به‌رغم سابقه نسبتاً طولانی، که با کشورهایی چون فرانسه، آلمان، و ژاپن برابری می‌کند، بعد از شصت سال برنامه‌ریزی، شاهد کندی روند توسعه متوازن و متعادل در کشور هستیم. درعین حال، کشورهایی نیز وجود دارند که با سابقه برنامه‌ریزی حتی کمتر از دو دهه اکنون از لحاظ معیارهای رشد و توسعه‌یافتگی چندین برابر از ایران جلوترند. این در حالی است که ایران از نظر منابع غنی، موقعیت جغرافیایی، و الزامات رشد و توسعه اقتصادی همواره در صدر دیگر کشورها قرار داشته است. به‌عنوان مثال، کشور چین توانسته در مدت سی سال از سال ۱۹۷۹ از یک کشور فقیر و ضعیف به دومین قدرت اقتصادی دنیا تبدیل شود. در بسیاری از برنامه‌ریزی‌های توسعه، هدف اجرای فهرستی بزرگ از پروژه‌ها در بخش‌های مختلف بوده که بین دستگاه‌های اجرایی توزیع شده و اعتبارات نیز به همین شکل توزیع می‌شد بدون اینکه ارتباط منطقی و سیستماتیک بین این پروژه‌ها به‌عنوان عناصر اجرایی یک برنامه برقرار باشد. در محدود موارد نیز با تبیین مأموریت‌ها برای دستگاه‌های اجرایی، نحوه تحقق و سیاست‌گذاری به عهده دستگاه اجرایی مربوطه گذاشته شده و ارزیابی بر اساس میزان تحقق مأموریت واگذار شده انجام می‌گیرد.

شناخت این مسئله که مناطق و سطوح محلی ایران تا چه اندازه ظرفیت و توانایی رقابت‌پذیری را دارند و نیز این توانایی و قابلیت در آینده چه وضعیتی خواهد داشت و بهترین آینده برای آن کدام است، می‌تواند در تدوین سیاست‌ها و اهداف توسعه فراملی، ملی، منطقه‌ای، و محلی ایران نقش قابل توجهی داشته باشد. علاوه بر این، با وجود تنوع منطقه‌ای و محلی در ایران، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های توسعه به‌شدت تمرکزگرا بوده و به همین سبب از ظرفیت‌های موجود در سطح محلی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بهره‌برداری مناسب به عمل نیامده است.

مبانی نظری

رقابت‌پذیری به‌طور اجتناب‌ناپذیری مرتبط با مفهوم رقابت است که ظرفیت کلی افراد، شرکت‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس، اقتصاد، یا مناطقی که در رقابت ملی یا بین‌المللی توانایی بهره‌وری از آن را دارند نشان می‌دهد (گابور و همکاران، ۲۰۱۲). رقابت‌پذیری به توانایی یک ملت جهت استفاده مؤثر از منابع طبیعی، انسانی، یا مادی خود اشاره می‌کند (باومن و وینزار، ۲۰۱۶). از نظر سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، رقابت‌پذیری به معنای توانایی یک کشور در تولید کالا و خدمات برای ارائه در بازارهای بین‌المللی و به‌طور هم‌زمان حفظ و ارتقای سطح درآمد شهروندان در بلندمدت است (سائر و پریانز، ۲۰۱۵). رقابت اقتصادی بین شهرها به شهرهای تجاری قرن شانزدهم برمی‌گردد. شهرهای خاصی مانند نیویورک، فیلادلفیا، و بالتیمور در ایالات متحده آمریکا، برای گسترش دسترسی به سمت مغرب کشور رقابت کرده‌اند. همچنین،

بارسلونا، مارسل، و جنوا برای دروازه مدیترانه و اروپا شدن با هم رقابت کرده‌اند. در طول قرن بیستم و آغازین قرن بیست و یکم، کالاها بسیار استاندارد شده‌اند. هزینه‌های حمل‌ونقل کاهش یافته، پیشرفت‌های تکنولوژیکی قیمت‌ها را کاهش داده، در نتیجه رقابت بین شهرها پیچیده‌تر شده است. از طرف دیگر نیز بین‌المللی شدن و یکپارچه‌سازی بازارها رقابت بین شهرها را نیز افزایش داده است (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۴). نخستین مطالعه علمی در مورد رقابت‌پذیری شهری به سمپوزیوم پژوهشی اقتصاد هاروارد در سال ۱۹۸۵ برمی‌گردد. کتابی که در نتیجه این سمپوزیوم به چاپ رسید به دو نکته مهم اشاره کرد:

الف) رقابت‌پذیری را در سطح یک ملت تعریف کرد؛

ب) افزایش استانداردهای زندگی را نخستین شاخص‌های رقابت‌پذیری تعریف کرد. آنچه در رقابت‌پذیری مهم است بحث روحیه رقابت‌پذیری است.

لغت‌نامه آکسفورد رقابت‌پذیری را اصرار قوی بر برنده شدن تعریف کرده است. زمانی که برنامه‌ریزان یا مشاوران در زمینه رقابت‌پذیری بحث می‌کنند آن‌ها قبول دارند که اهداف خارجی تعریف شده فعالیت‌های رقابت‌پذیر و جهت تمام سیاست‌ها و منابع به سمت دستیابی به اهداف است. بنابراین، تمایل دارند عملکرد شهرها را نسبت به دیگر شهرها بسنجند که این امر باعث به وجود آمدن سیستم رتبه‌بندی در بین شهرها می‌شود. یکی از مسائل و چالش‌های مهمی که به دنبال جهانی شدن کشورهای مختلف با آن مواجه‌اند رشد شهرنشینی و شهرگرایی و پیدایش کلان‌شهرهای پُرجمعیت است. تجمع ثروت، نیروی انسانی ماهر، و دانش و فناوری در کلان‌شهرها آن‌ها را از قدرت و تسلط بیشتری در روابط سلسله‌مراتبی با دیگر شهرها برخوردار کرده و در نتیجه موجب تشدید نابرابری فضایی در میان آن‌ها شده است. رقابت‌پذیری کلان‌شهرها به توانایی مقصد برای جذب عوامل اجتماعی-اقتصادی یا به عبارتی حفظ موقعیت خود و بهبود آن در طول زمان اشاره می‌کند.

مطابق ایده اتحادیه اروپا (۱۹۹۹) مفهوم رقابت‌پذیری مربوط به توانایی شرکت‌ها، صنایع، مناطق، ملت‌ها، و مناطق فراملی برای تولید به منظور انتقال به رقابت‌پذیری بین‌المللی، درآمد نسبی بالا، و سطح اشتغال است. عوامل مختلفی در رقابت‌پذیری شهری از بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی از جمله سرمایه انسانی، فناوری، پایداری، نوآوری، و رشد اقتصادی دخیل‌اند (پنگ و ژانگ‌زین، ۲۰۱۱). با سرعت گرفتن رشد شهرگرایی، ضروری است رقابت‌پذیری شهر را به منظور توسعه اجتماعی و اقتصادی بهبود بخشید. امروزه، این آگاهی به دست آمده است که مناطق ممکن است رقابت‌پذیری خود را بر اساس بخش‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و زیست‌محیطی قرار دهند. شهرهای بارسلونا، تورنتو، برلین، بیلباتو، گلاسکو، دنور، و پترزبورگ نمونه‌هایی از ادعای فوق‌اند. این شهرها در زمینه گردشگری سعی در رقابت‌پذیری دارند. کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، و استرالیا از جمله کشورهایی هستند که در زمینه جذب دانشجویان رقابت‌پذیری دارند. تیلور بر آن است که مبانی تئوریک رقابت‌پذیری به اشکال متفاوت روابط میان شهری برمی‌گردد. بدین صورت که تئوری اولیه برای تبیین روابط بین شهری تئوری «مکان مرکزی» است که به تدریج به مدل «سیستم شهری ملی» بسط و گسترش یافته است و شکل نهایی تئوری سلسله‌مراتب شهری ملی نیز تحت عنوان «رقابت‌پذیری بین شهری» ارائه شده است. تیلور (۲۰۰۶) همچنین اشاره می‌کند که شکل اصلاح‌شده تئوری رقابت بین شهری به دنبال مطالعات فریدمن در مقیاس جهانی به تئوری سلسله‌مراتبی شهرهای جهانی منجر شد و بالاخره توافق برای رقابت به وسیله کار اثرگذار ساسن (۲۰۰۱) روی شهرهای جهانی قدرت بیشتری یافت (تیلور، ۲۰۱۲: ۲). تئوری‌های بعدی رقابت‌پذیری را نتیجه جهانی شدن معاصر می‌دانند. در این دیدگاه شهرها دارای روابط بین‌المللی‌اند؛ به طوری که امروزه هیچ نقطه شهری در جهان نمی‌تواند فقط به حفظ جایگاه و نقش سنتی خود در سلسله‌مراتب شهری تکیه نماید، زیرا

سایر شهرها در یک ساختار شبکه‌ای با اتخاذ استراتژی‌های پیشرفته و به‌کارگرفتن ابزارهای جدید با یکدیگر در رقابت بوده تا جایگاه خود را ارتقا دهند و بر رقبا غلبه نمایند (الهی، ۲۰۱۴: ۱۵۱؛ سینگال و همکاران، ۲۰۱۳).

رقابت‌پذیری و توسعه منطقه‌ای

مفهوم «منطقه» از واژه لاتین «Region» ناشی شده است که به معنای هدایت است. این واژه همچنین از فعل لاتین «Rego» ناشی شده که به معنای اداره کردن یا حکومت کردن است. متعاقباً، مفهوم منطقه اغلب برای مشخص کردن «مرز» یا معین کردن فضای یک «استان» به کار می‌رفته است. به‌زعم پژوهشگران پیشگام منطقه‌گرایی، «منطقه» می‌تواند مناسب‌ترین سطح اقدام برای حل مشکلات کلان در توسعه شهرها باشد (فارل و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۲). رقابت سرمایه‌داری جهانی از یک طرف با نیاز تنظیم سیاسی و مدیریت از طرف دیگر است. مدیریت جهانی‌سازی در سطح منطقه‌ای بسیار آسان‌تر است. همچنین، همگرایی اجتماعی و ارزشی احتمالاً در این مقیاس بیشتر است و مشکلات سیاسی حکمروایی و رای دولت احتمالاً بیشتر قابل اداره کردن است (فارل و همکاران، ۲۰۰۵: ۴۲). بسیاری از روش‌ها و مباحث اصلی در این زمینه تأکید زیادی بر قلمرو، عملکرد، و اداره امور در مطالعه و تعریف مناطق داشته‌اند. در علوم سیاسی و اقتصادی، مناطق به‌عنوان «از پیش معین شده» در نظر گرفته می‌شوند و همچنین با توجه به مطالعات تعریف می‌شوند و به‌عنوان چارچوب‌های سیاست مبنای خاص و اداری/ نهادی مشاهده می‌شوند.

پورتر (۱۹۹۰: ۷۳) برای نخستین بار در دهه ۱۹۹۰ میلادی نظریه مزایای رقابتی را، که تا پیش از آن فقط در سطح اقتصاد خرد (واحد بنگاه‌ها) مطرح بود، در سطح مکان (مقیاس کشور و بعدها سایر مقیاس‌های جغرافیایی) مطرح کرد و باعث جلب توجه مجدد تصمیم‌سازان توسعه منطقه‌ای و جغرافی‌دانان اقتصادی به موضوع مکان، که پیش‌تر در جریان جهانی‌سازی به ورطه فراموشی سپرده شده بود، گشت؛ با این باور که باوجود اینکه در ایجاد رقابت‌پذیری آنچه درون بنگاه‌ها اتفاق می‌افتد حائز اهمیت است، محیط‌های کسب‌وکار بیرونی نیز به همان اندازه ایفاگر نقش‌اند (پورتر، ۱۹۹۸ الف). طرح این دیدگاه نظری، که به‌ویژه مورد اقبال سیاست‌گذاران توسعه منطقه‌ای قرار گرفت و به‌عنوان یک هدف کلان سیاست‌گذاری توسط کمیسیون اروپایی و دولت‌های ملی سراسر اروپا و امریکای شمالی و بسیاری از کشورهای درحال توسعه پذیرفته شد (بارستو، ۲۰۰۵: ۳۰۴) سبب تغییر جهت سیاست‌های جدید اقتصادی به جای تمرکز بر بخش‌های اقتصادی و شرکت‌های بزرگ به‌سوی عوامل ایجادکننده مزایای رقابتی شرکت‌ها، یعنی مکان، شد (لنگیل، ۲۰۰۹: ۲۰). از دهه ۱۹۸۲ میلادی، سازمان‌های بین‌المللی مختلفی بر روی توسعه مفهوم رقابت‌پذیری سرزمینی پرداخته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به گزارش کمیسیون ریاست جمهوری ایالات متحده در زمان ریگان در خصوص تعریف رقابت‌پذیری ملی (کمیسیون رقابت‌پذیری رئیس‌جمهوری امریکا، ۱۹۸۴) اشاره کرد. برخی مفاهیم، ویژگی‌ها، یا تعاریف ارائه شده برای رقابت‌پذیری سرزمینی، ملی، و شهری- با توجه به آنکه این مفاهیم به‌صورت اساسی درباره رقابت‌پذیری اقتصادی است به‌وسیله موفقیت اقتصادی سنجیده می‌شود (پارکینسون و بادی، ۲۰۰۴: کرسل و سینگ، ۲۰۱۲). رقابت‌پذیری به‌عنوان مجموعه‌ای از نمادها، سیاست‌ها، و عواملی است که سطح بهره‌وری ملی را تعریف می‌کند. سطح بهره‌وری ملی سطح شکوفایی را، که یک اقتصاد می‌تواند به آن دست یابد، تعیین می‌کند. سطح بهره‌وری همچنین نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری در یک اقتصاد را مشخص می‌کند که خود پیشران اصلی نرخ رشد آن است. به عبارت دیگر، اقتصادی رقابتی‌تر است که احتمالاً رشد سریع‌تری در طول زمان دارد (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۳). رقابت منطقه‌ای پدیده‌ای است که بین واحدهای سرزمینی (دولت‌ها، مناطق، یا شهرها) به‌منظور کسب بیشترین منافع (به‌ویژه اقتصادی و همچنین توسعه‌ای و اجتماعی) برای واحد سرزمینی برنده رخ می‌دهد (کاپیتسینیس و متاکاساس، ۲۰۱۳).

در فرایند رقابت و توسعه شهرها، رقابت‌پذیری شهری به مقایسه توانایی یک شهر در ارتقای مزیت‌های اقتصادی بیرونی و کارایی سازمانی درونی ... برای جذب و کنترل و تبدیل منابع و همچنین به‌کارگرفتن و غلبه بر بازار و در نتیجه خلق ثروت بیشتر به روشی سریع‌تر و بهتر و فراهم‌کردن رفاه کافی برای شهروندانش می‌پردازد (نی، ۲۰۱۲). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در این سنجها بیشتر بر فضای کسب‌وکار و خصوصیات نسبی آن تأکید می‌شود. در این مقاله از تعریف ارائه‌شده توسط نی (۲۰۱۲) برای رقابت‌پذیری شهری و از تعریف ارائه‌شده توسط مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۳) برای رقابت‌پذیری ملی بهره گرفته می‌شود. نظریه اقتصاد جغرافیایی نوین نشان می‌دهد که، همگام با رشد درآمد ملی، نابرابری‌های منطقه‌ای به سبب صرفه‌های ناشی از مقیاس افزایش می‌یابد. از این رو، ارتباط مثبتی بین نابرابری منطقه‌ای و سرعت رشد اقتصادی وجود دارد (مورا، ۲۰۰۸). تعریفی که توسط نی برای رقابت‌پذیری ارائه شده است بر نسبی بودن این مفهوم، رشد، و خلق ثروت بیشتر، بهره‌گیری از روش‌های مؤثرتر، و رفاه شهروندان تأکید دارد (نی، ۲۰۱۲).

با توجه به جهانی‌شدن اقتصاد، شهرها هم در کنار مشارکت با یکدیگر در تجارت جهانی و تقسیم کار به رقابت با یکدیگر در زمینه جذب نیروی کار، مؤسسه‌های مهم تولیدی، خدماتی، و مالی و همچنین منابع مهم تولید و ارائه خدمات نیز می‌پردازند. علاوه بر این‌ها، شهرها به بهبود عوامل محیطی، کاهش هزینه‌های تولیدی و نوآوری فناورانه به‌منظور ارتقای عملکرد در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی مؤسسه‌های مستقر در آن شهرها می‌پردازند. در این میان نیز، مؤسسه‌ها به حداکثرسازی سود و در نتیجه خلق ارزش و ساکنان به حداکثر ساختن مطلوبیت و رفاه علاقه‌مندند (نی، ۲۰۱۲). می‌توان به گزارش‌هایی تحت عنوان رقابت‌پذیری جهانی، که توسط مجمع جهانی اقتصاد با محوریت اقتصاد تدوین می‌شود، اشاره کرد. این مؤسسه شاخص رقابت‌پذیری جهانی را به سه زیرشاخص - الزام‌های اساسی، بالابرنده‌های کارایی، و عوامل پختگی و نوآوری - تقسیم کرده است (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۳):

- زیرشاخه الزام‌های اساسی شامل نشانگرهای نمادها، زیرساخت‌ها، محیط اقتصاد کلان، سلامتی، و تحصیلات ابتدایی؛

- زیرشاخه بالابرنده‌های کارایی شامل نشانگرهای آموزش و تحصیلات تکمیلی و عالی، کارایی بازار کالا، کارایی بازار نیروی کار، توسعه بازار مالی، آمادگی فناورانه، و اندازه بازار؛

- زیرشاخه عوامل پختگی و نوآوری شامل نشانگرهای پختگی کسب‌وکار و نوآوری.

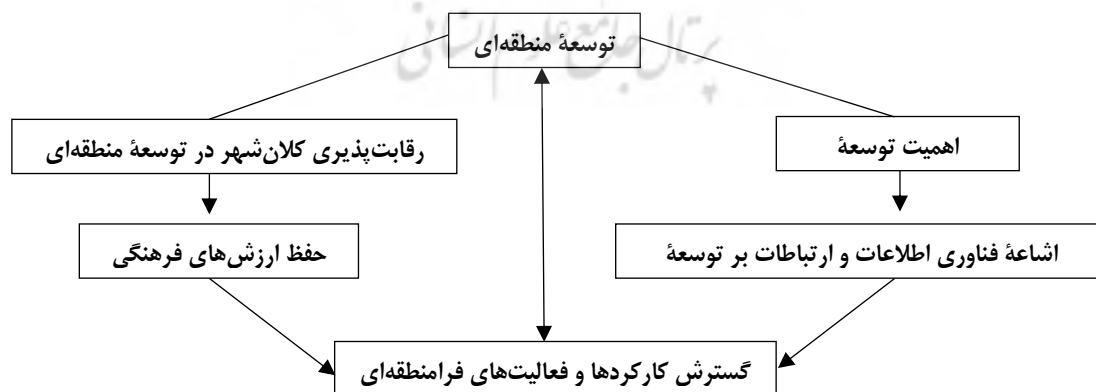
از آنجا که شهرها یکی از بنیادی‌ترین نهادهای یک ملت - دولت را تشکیل می‌دهند، با توجه به مبانی و استدلال‌های بیان‌شده برای هریک از دو مفهوم فوق‌الذکر، انتظار می‌رود رقابت‌پذیری شهری بتواند بر رقابت‌پذیری ملی تأثیر مثبت و معناداری داشته باشد. بنابراین، به دنبال اثبات فرضیه تأثیر رقابت‌پذیری شهری بر رقابت‌پذیری ملی کشورها در سطح جهانی هستیم.

مطالعاتی که در دهه‌های اخیر در زمینه روند نابرابری‌های منطقه‌ای انجام گرفته است رویکردی ارائه می‌کند با نام «رویکرد بینابینی». نظریه‌پردازان این رویکرد بر آن‌اند که رابطه رشد اقتصاد ملی و نابرابری منطقه‌ای در طول زمان بستگی به سطح توسعه مناطق دارد. به این ترتیب که در برخی مناطق رابطه رشد و نابرابری رابطه‌ای مثبت، اما در برخی مناطق این رابطه منفی است. از سوی دیگر، افرادی چون جانیکاز و ری و آرتلاریس و پتراکوس (۲۰۱۴) بر آن‌اند که باید نابرابری منطقه‌ای را به دو دسته تقسیم کرد: نابرابری بین مناطق و نابرابری درون مناطق. ممکن است نابرابری در سطح ایالت‌ها و استان‌های یک کشور روندی کاهشی را نشان دهد؛ درحالی‌که در زیر مناطق این نابرابری افزایشی باشد

غفاری فرد، ۱۳۹۷: ۲۴). بنابراین، محرک‌های رقابت‌پذیری هسته کلان‌شهری از طریق برنامه‌های توسعه منطقه‌ای می‌تواند به توسعه متوازن و رفع این چالش بینجامد.

جدول ۱. بررسی و جمع‌بندی تحقیقات پیشین

نگارنده/نگارندگان	سال	نتایج
پتراکوس	۲۰۰۹	۱۲ عامل بر افزایش نابرابری‌های منطقه‌ای تأثیرگذار است: صرفه‌های ناشی از تجمع، صرفه‌های ناشی از مقیاس، ویژگی جغرافیایی مطلوب، یکپارچگی، سرمایه انسانی، اندازه بازار، تنوع فعالیت‌ها، ساختار اقتصادی، ساختار سیاسی، سیاست‌های بخشی، سطح توسعه مناطق و حد آستانه فعالیت‌های اقتصادی
هیبتا (سازمان جهانی اسکان بشر)	۲۰۱۰	توان رقابت‌پذیری شهری را ترکیبی از عوامل مختلف می‌داند که از جمله آن‌ها می‌توان به کیفیت زندگی، سخن‌گویی حکومت، زیرساخت‌ها، منابع انسانی، پویایی اقتصاد محلی، و هزینه معاملات تجاری اشاره کرد.
برونچین و همکاران	۲۰۱۲	مفاهیم رقابت شهری و منطقه‌ای با هم رابطه نزدیکی دارند. هیچ شهری، مخصوصاً از یک کشور کوچک، نمی‌تواند مستقل باشد و آن به عنوان بخشی مرکب از یک سیستم شهری، منطقه‌ای، ملی، اقتصادی، و اجتماعی سلسله‌مراتب بزرگ‌تر عمل می‌کند.
سینگال و همکاران	۲۰۱۳	بر همکاری بازسازی فضای کسب‌وکار و استراتژی ترویج رقابت شهری تأکید شده است.
بالسترا و آرودا	۲۰۱۲	از راهکارهای مهم در تعیین توان رقابت‌پذیری شناسایی عواملی است از قبیل دانش، نوآوری، خلاقیت، هویت متمایز یک شهر و نام تجاری آن (برندینگ شهری).
سینگال و همکاران	۲۰۱۳	به ارزیابی رقابت‌پذیری شهری در شهرهای انگلستان و به بررسی دو مؤلفه کسب‌وکار و نوسازی شهری پرداخته‌اند و برای این دو مؤلفه چهار شاخص شامل سیاست عمومی، منابع، محیط عملیاتی، و حکمروایی یکپارچه را تبیین کرده‌اند.
سائز	۲۰۱۵	فاکتورهایی را که برای عملکرد اقتصادی شهرها ضروری‌اند از قبیل حمل‌ونقل، سلامت، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی پوشش می‌دهد. بُعد بهره‌وری شامل فاکتورهایی است که یک اقتصاد شهری توسعه‌یافته‌تر و متمایز مانند فعالیت اقتصادی، نیروی کار بازار، و سرمایه انسانی با تحصیلات عالی را توصیف می‌کند. بُعد نوآوری فاکتورهایی را که دانش و فناوری اطلاعات و ارتباطات را تولید می‌کنند پوشش می‌دهد.
جیمز سیم مای	۲۰۱۶	به‌رغم اهمیت اقتصاد در رقابت‌پذیری شهری، ادبیات اخیر رقابت‌پذیری رویکرد اقتصادمحور را به چالش کشیده و به‌سوی رویکردی متعادل- که اقتصاد شهری، توسعه زیست‌محیطی، و اجتماعی را (در سایه خلاقیت و نوآوری و شناخت فرصت‌ها) منعکس می‌کند- تغییر جهت داده است.
پوروانتی و جینووا	۲۰۱۷	شهرها همکاران واقعی در زمینه توسعه اقتصادی کشورها هستند؛ زیرا بزرگ‌ترین فعالیت‌های مربوط به درآمد ملی را بر عهده دارند. با توجه به این واقعیت، یک شهر رقابتی می‌تواند مقصد سرمایه متحرک، تولیدکنندگان مدرن، استعدادها برتر، فناوری، گردشگران، رویدادها، و شهروندان با درآمد بالا باشد.
شریف‌زادگان و ندایی طوسی	۱۳۹۴	فعالیت‌های دانشی فرهنگی از طریق میل به خوشه‌ای شدن مؤثرترین پیشران در دستیابی به رقابت‌پذیری منطقه‌ای در ایران به‌شمار می‌روند.
خضرای شولای فر و کرکه‌آبادی	۱۳۹۷	تحلیل شاخص‌های رقابت‌پذیری حاکی از تفاوت قابل ملاحظه در ماهیت پتانسیل‌هایی است که کلان‌شهرهای مورد مطالعه با اتکا به آن‌ها وارد این عرصه شده‌اند. بنابراین، به‌منظور دستیابی به یک موقعیت رقابتی پایدار، تهران و دیگر کلان‌شهرها باید با تقویت بُعد نوآوری و اتکا بر استراتژی‌های دانش‌محور به تجدیدنظر در الگوی فعلی رقابتی خود بپردازند.



شکل ۱. مدل مفهومی نقش کلان‌شهر در توسعه منطقه‌ای

بنابراین فرضیات پژوهش بدین صورت تنظیم شده است:

- رقابت‌پذیری کلان‌شهر بر توسعه منطقه‌ای ایران تأثیر معناداری دارد.
- رقابت‌پذیری کلان‌شهر تهران از طریق مؤلفه حفظ ارزش‌های فرهنگی بر توسعه منطقه‌ای تأثیر معناداری دارد.
- رقابت‌پذیری کلان‌شهر تهران از طریق مؤلفه گسترش کارکردها و فعالیت‌های فرامنطقه‌ای بر توسعه منطقه‌ای تأثیر معناداری دارد.
- رقابت‌پذیری کلان‌شهر تهران از طریق مؤلفه اشاعه فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توسعه منطقه‌ای تأثیر معناداری دارد.

روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر اعضای هیئت علمی و استادان دانشگاه متخصص در زمینه توسعه شهری و منطقه‌ای‌اند. در این تحقیق، با توجه به متجانس بودن جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، به دلیل اینکه اعضای جامعه آماری یک شانس معین و برابر برای انتخاب شدن به‌عنوان آزمودنی دارند، استفاده شده است (سکاران، ۱۳۸۸: ۳۰۰). اندازه جامعه آماری ۸۵ نفر و طبق فرمول جدول مورگان حجم نمونه آماری ۷۰ نفر تعیین شده است. برای گردآوری اطلاعات به شکل اسنادی از کتاب‌ها، مقالات معتبر و مرتبط اعم از فارسی و انگلیسی و برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم از پرسش‌نامه کتبی استفاده شده است. پرسش‌نامه تحقیق حاضر محقق ساخته حاوی ۲۵ سؤال و بر اساس طیف پنج‌مرحله‌ای ارزش‌گذاری شده است. اعتبار محتوای پرسش‌نامه‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر را استادان محترم راهنما و مشاور و پنج نفر از صاحب‌نظران و متخصصان تأیید کرده‌اند و از نظر آنان ابزار سنجش و اندازه‌گیری پژوهش از اعتبار لازم برخوردار است.

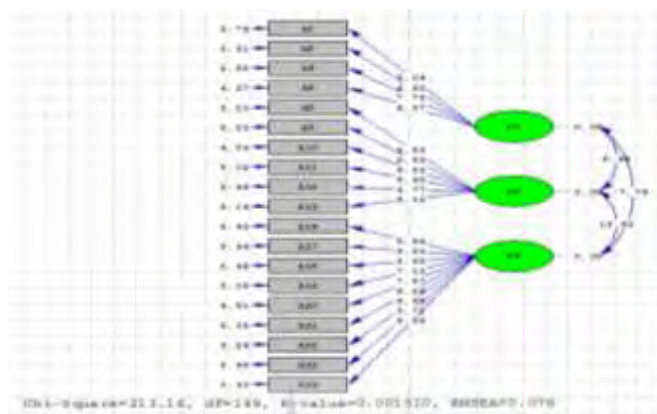
جدول ۲. گویه‌های پرسش‌نامه محقق ساخته

ارزش‌های فرهنگی حاکم بر کلان‌شهر تهران با جذابیتی که دارند باعث تشویق شهروندان به انجام‌دادن کارهای پویا و سازنده (تحکیم اقتصاد شهری خلق) می‌شوند.
شهروندان تهرانی دارای مجموعه‌ای از ارزش‌های فرهنگی مشترکی هستند که آنان را درباره نحوه تعامل و نیل به اهداف متقابل جامعه منسجم می‌کند.
تصمیمات مدیران شهری در خصوص تعیین ارزش‌های فرهنگی کلان‌شهر تهران عمدتاً بر اساس نیازهای شهروندان گرفته می‌شود.
نهادهای فرهنگی تهران فاقد مهارت‌های لازم برای انجام‌دادن مؤثر وظایف خود در جهت اشاعه ارزش‌های فرهنگی به جامعه شهری‌اند.
ارزش‌های حاکم بر کلان‌شهر تهران باعث جذب و تشویق شهروندان به انجام‌دادن کارهای فرهنگی و اشاعه آن می‌شود.
تعیین ارزش‌های فرهنگی و اشاعه آن‌ها در میان شهروندان بر اساس فرضیات و برداشت‌های شخصی مدیران شهری است.
کلیه مدیران شهری از تغییرات و تحولات به‌روز تهران در خصوص ترویج ارزش‌های فرهنگی و کارکردهای آن آگاهی کامل روشنی دارند.
شهروندان و مدیران شهری ایمان دارند که در کارهای جمعی و فعالیت‌های فرهنگی تعاون و همکاری بر رقابت شهری مؤثر است.
در کلان‌شهر تهران بانک اطلاعاتی در زمینه خدمات فرهنگی انجام‌شده در سنوات گذشته وجود دارد.
حضور شهروندان در فعالیت‌ها و خدمات فرهنگی مدیران کلان‌شهر تهران را در تصمیم‌گیری در خصوص توسعه منطقه‌ای تشویق می‌کند.
خدمات شهری ارائه‌شده در کلان‌شهر تهران شهروندان را به شرکت در کارکردهای منطقه‌ای تشویق می‌کند.
همه مدیران از کارکردها و اولویت‌های منطقه‌ای کلان‌شهر تهران آگاه‌اند و آن‌ها را به‌درستی درک می‌کنند.
مدیران قادر به توسعه و گسترش کارکردها و فعالیت‌های منطقه‌ای متناسب با نیازهای شهروندان‌اند.
اطلاعات در خصوص فعالیت‌های منطقه‌ای انجام‌شده در کلان‌شهر دیگر برای همه شهروندان قابل دسترسی است.
شرایط فضای واحد منطقه‌ای کلان‌شهر تهران به‌گونه‌ای است که شهروندان را به تسهیم اطلاعات و فعالیت‌های منطقه‌ای در کلان‌شهر تهران تشویق می‌کند.
زمانی که شهروندان با خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات موجود در کلان‌شهر تهران دچار مشکل می‌شوند مدیران سریعاً به رفع اشکال می‌پردازند.
مدیران شهری بر این باورند که آن‌ها می‌توانند از طریق به‌کارگیری دانش فناوری اطلاعات و ارتباطات در فعالیت‌های منطقه‌ای محیطی بافصل تهران اثر بگذارند.
از ارتباطات باز در جامعه شهری تهران برای بیان آزادانه آرای شهروندان حمایت می‌شود.
به پیشنهادها و دیدگاه‌های شهروندان در خصوص ارائه راهکارهایی جهت ارتقای جایگاه توسعه شهری اهمیت داده می‌شود.
کلان‌شهر تهران از طریق ارتباطات باز، به‌روز بودن، و ارتباط نزدیک با کلان‌شهرهای جهانی به حرکت در مسیر توسعه می‌پردازد.
کلان‌شهر تهران از طریق خدمات الکترونیکی و فناوری می‌تواند درخواست‌ها و آرای شهروندان را دریافت و بررسی کند.
تامین نیازهای شهری و منطقه‌ای کلان‌شهر تهران و رفع مشکلات آنان از طریق فناوری اطلاعات از اولویت‌های مدیران شهری است.
شهروندان و مدیران شهری در مقابل هر نوع تغییر و تحول ضروری در خصوص خدمات شهر الکترونیک حداکثر انعطاف و سازگاری را از خود نشان می‌دهند.
شهروندان و مدیران شهری کلان‌شهر تهران به‌راحتی می‌توانند از طریق خدمات شهر الکترونیک اطلاعات مورد نیاز خود را دریافت کنند.
تصمیمات مدیران شهری تهران در خصوص توسعه کارکردها و زیرساخت‌های فناوری اطلاعات به علم و فناوری روز مبتنی بر نظرسنجی شهروندان است.

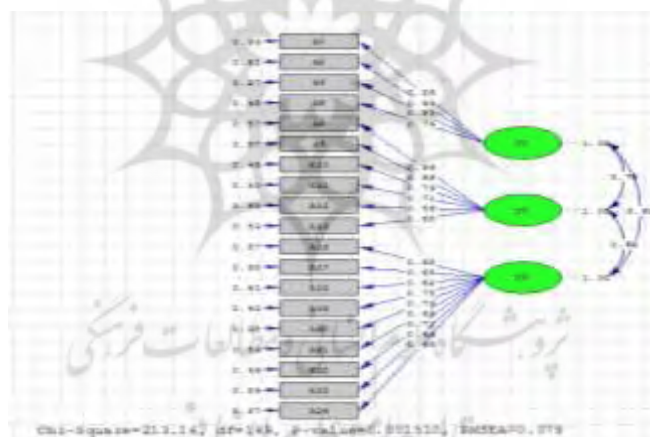
بحث و یافته‌ها

در این بخش به مراحل آماری و تحلیل یافته‌های پژوهش پرداخته می‌شود.

تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول



شکل ۲. مدل مفهوم نقش کلان شهر تهران و توسعه منطقه‌ای در حالت استاندارد



شکل ۳. مدل مفهوم نقش کلان شهر تهران و توسعه منطقه‌ای در حالت معناداری

جدول ۳. رابطه بین مؤلفه‌های پرسش‌نامه مفهوم نقش کلان شهر تهران و توسعه منطقه‌ای

مؤلفه‌ها	کلان شهر تهران و حفظ ارزش‌های فرهنگی	کلان شهر تهران و فعالیت‌های فرهنگی	کلان شهر تهران و اشاعه فناوری اطلاعات و ارتباطات
کلان شهر تهران و حفظ ارزش‌های فرهنگی	میزان رابطه	۰٫۷۴	۰٫۶۸
کلان شهر تهران و فعالیت‌های فرامنطقه‌ای	T-Value	۸٫۶۴	۷٫۷۴
کلان شهر تهران و اشاعه فناوری اطلاعات و ارتباطات	میزان رابطه		۰٫۸۲
	T-Value		۱۳٫۴۲

ملاک معناداری $\pm 1/96$ است
بر اساس جدول ۳، رابطه همه مؤلفه‌ها با هم معنادار است.

تحلیل عاملی تأییدی مرحله دوم

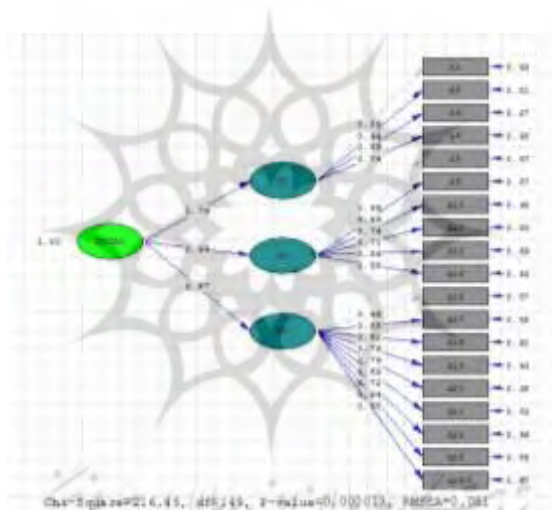
در این بخش، رابطه هر سه مؤلفه با مفهوم کلان‌شهر تهران و توسعه منطقه‌ای بررسی می‌شود.

جدول ۴. روابط مؤلفه‌ها با مفهوم کلان‌شهر تهران و توسعه منطقه‌ای

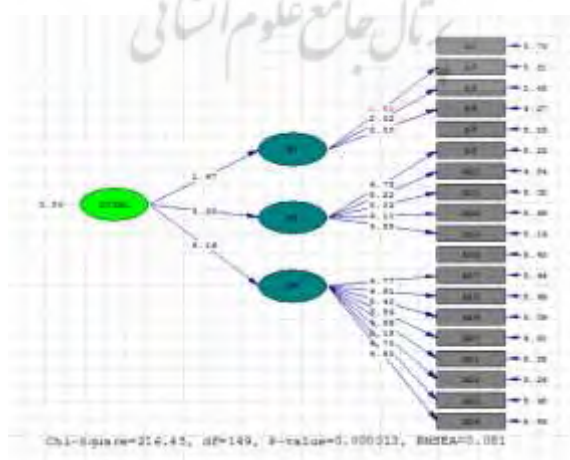
نتیجه	T-Value	ضریب تعیین	میزان رابطه	مؤلفه‌ها و مفهوم
تأیید رابطه	۴,۰۳	۰,۶۲	۰,۷۹	(F1) کلان‌شهر تهران و حفظ ارزش‌های فرهنگی
تأیید رابطه	۵,۳۵	۰,۸۸	۰,۹۴	(F2) کلان‌شهر تهران و فعالیتهای فرامنطقه‌ای
تأیید رابطه	۵,۱۶	۰,۷۶	۰,۸۷	(F3) کلان‌شهر تهران و اشاعه فناوری اطلاعات و ارتباطات

ملاک معناداری $\pm 1/96$ است

بر اساس داده‌های جدول ۴، رابطه همه مؤلفه‌ها با مفهوم نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای معنادار است. ژ



شکل ۴. مدل مفهوم نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای در حالت استاندارد



شکل ۵. مدل مفهوم نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای در حالت معناداری

بر اساس تحلیل اکتشافی مرحله اول (پرسش‌نامه نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای) نتایج نشان می‌دهد که همه پیش‌فرض‌های موردنیاز مربوط به استفاده از روش تحلیل عاملی رعایت شده است. آزمون میسر- می بر اولین شاخص برای کفایت نمونه است. بر اساس آزمون یادشده، می‌توان میزان تعلق متغیرها به یکدیگر (علیت عاملی) و در نتیجه مناسب بودن آن‌ها را برای تحلیل عاملی تشخیص داد و هم مناسب بودن هر متغیر را به تنهایی مشخص کرد. با توجه به اینکه مقدار آن برابر با ۰/۷۹ است، قضاوت درباره آن در حد عالی گزارش می‌شود. در آزمون کروی‌ات بارتلت، فرض همبستگی بین سؤالات بررسی می‌شود. با توجه به مقدار مجذور گای و سطح معناداری ($P < 0.01$ و $X^2 = 756.80$) نتیجه گرفته می‌شود که بین سؤالات همبستگی وجود دارد. از این رو، ادامه و استفاده از سایر مراحل تحلیل عاملی جایز است.

از ارزیابی پایایی عامل‌های استخراجی پرسش‌نامه نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای مشخص می‌شود که پایایی مؤلفه‌ها و پرسش‌نامه نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای در حد قابل قبول است. بر اساس تحلیل اکتشافی مرحله دوم (پرسش‌نامه نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای)، در این مرحله هر سه مؤلفه پرسش‌نامه نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای بررسی می‌شود. بر اساس آزمون میسر- می بر و اولین و با توجه به اینکه مقدار آن برابر با ۰/۷۲ است، قضاوت درباره آن در حد خوب گزارش می‌شود. با توجه به مقدار مجذور گای و سطح معناداری آزمون کروی‌ات بارتلت ($P < 0.01$ و $X^2 = 62.15$) نتیجه گرفته می‌شود که بین عامل‌ها همبستگی وجود دارد. و ملاحظه می‌شود که همه مؤلفه‌ها با نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای دارای همبستگی قابل قبول اند.

در تحلیل عاملی تأییدی مرحله دوم رابطه هر سه مؤلفه با مفهوم نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای بررسی می‌شود. بر اساس داده‌های موردبررسی، رابطه همه مؤلفه‌ها با مفهوم نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای معنادار است.

در آزمون خوبی برازش (نیکویی) تناسب مجموعه داده‌های مدل کلی مفهوم نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای بررسی می‌شود که از ده شاخص ذکرشده برای آزمون خوبی برازش یک شاخص نامناسب بود و نه شاخص مناسب تأیید شد. بنابراین، مدل کلی مفهوم نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای از لحاظ شاخص‌های برازش مناسب است.

آزمون خوبی (نیکویی) برازش مدل کلی مفهوم نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای

در آزمون خوبی برازش، تناسب مجموعه داده‌های مدل کلی مفهوم نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای بررسی می‌شود و شاخص‌های آن عبارت‌اند از:

جدول ۵. تناسب مجموعه داده‌های مفهوم نقش کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای

شاخص	ملاک	مقدار به دست آمده	نتیجه
نسبت x^2 به df	زیر ۳	۱,۴۵	تأیید
RMSEA	زیر ۰,۰۸	۰,۰۸۱	تأیید
GFI	بالای ۰,۹۰	۰,۹۱	تأیید
AGFI	بالای ۰,۹۰	۰,۹۰	تأیید
NFI	بالای ۰,۹۰	۰,۹۱	تأیید
NNFI	بالای ۰,۹۰	۰,۹۳	تأیید
CFI	بالای ۰,۹۰	۰,۹۰	تأیید
IFI	بالای ۰,۹۰	۰,۹۰	تأیید
RFI	بالای ۰,۹۰	۰,۸۹	تأیید
PNFI	بالای ۰,۹۰	۰,۷۱	عدم تأیید

در ادامه به بخشی از یافته‌ها و نتایج تحلیل استنباطی تحقیق فوق پرداخته می‌شود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مطالعه نقش رقابت‌پذیری کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای انجام گرفته است. در ابتدا پس از تشریح مسئله پژوهش به بیان پیشینه پژوهش و نظریات حول محور رقابت‌پذیری کلان‌شهرها پرداخته شد. نتایج حاصل از این پژوهش بر اساس تحلیل اکتشافی مرحله اول (پرسش‌نامه نقش رقابت‌پذیری کلان‌شهر تهران در توسعه منطقه‌ای) نتایج نشان می‌دهد که همه پیش‌فرض‌های موردنیاز مربوط به استفاده از روش تحلیل عاملی رعایت شده است. آزمون میسر-می بر و اولین شاخص برای کفایت نمونه است. بر اساس آزمون یادشده، می‌توان میزان تعلق متغیرها به یکدیگر (علیت عاملی) و در نتیجه مناسب بودن آن‌ها را برای تحلیل عاملی تشخیص داد و هم مناسب بودن هر متغیر را به تنهایی مشخص کرد. با توجه به اینکه مقدار آن برابر با ۰,۷۹ است، قضاوت درباره آن در حد عالی گزارش می‌شود.

در آزمون کرویات بارتلت، فرض همبستگی بین سؤالات بررسی شد. با توجه به مقدار مجذور گای و سطح معناداری ($P < 0,01$ و $X^2 = 756,80$) نتیجه گرفته شد که بین سؤالات همبستگی وجود دارد. از این رو، ادامه و استفاده از سایر مراحل تحلیل عاملی جایز است. براساس ارزیابی پایایی عامل‌های استخراجی پرسش‌نامه نقش رقابت‌پذیری کلان‌شهر تهران بر توسعه منطقه‌ای، مشخص شد که پایایی مؤلفه‌ها و پرسش‌نامه نقش رقابت‌پذیری کلان‌شهرها بر توسعه منطقه‌ای در حد قابل قبول است.

بر اساس تحلیل اکتشافی مرحله دوم (پرسش‌نامه رقابت‌پذیری کلان‌شهرها بر توسعه منطقه‌ای)، هر سه مؤلفه پرسش‌نامه نقش رقابت‌پذیری کلان‌شهرها بر توسعه منطقه‌ای بررسی شد؛ بر اساس آزمون میسر-می بر و اولین شاخص و با توجه به اینکه مقدار آن برابر با ۰,۷۲ است، قضاوت درباره آن در حد خوب گزارش شد.

با توجه به مقدار مجذور گای و سطح معناداری آزمون کرویات بارتلت ($P < 0,01$ و $X^2 = 62,15$) نتیجه گرفته شد که بین عامل‌ها همبستگی وجود دارد. و ملاحظه شد که همه مؤلفه‌ها با نقش رقابت‌پذیری کلان‌شهرها بر توسعه منطقه‌ای دارای همبستگی قابل قبول اند.

در تحلیل عاملی تأییدی مرحله دوم، رابطه هر سه مؤلفه با مفهوم نقش رقابت‌پذیری کلان‌شهرها بر توسعه منطقه‌ای بررسی شد. بر اساس داده‌های موردبررسی، رابطه همه مؤلفه‌ها با نقش رقابت‌پذیری کلان‌شهرها بر توسعه منطقه‌ای معنادار بود.

بر اساس آزمون خوبی (نیکویی) برازش مدل کلی مفهوم نقش رقابت‌پذیری کلان‌شهرها بر توسعه منطقه‌ای، تناسب مجموعه داده‌های مدل کلی مفهوم نقش رقابت‌پذیری کلان‌شهرها بر توسعه منطقه‌ای بررسی شد که از ده شاخص ذکرشده برای آزمون خوبی برازش یک شاخص نامناسب بود و نه شاخص از نظر تناسب تأیید شد. بنابراین، مدل کلی مفهوم نقش رقابت‌پذیری کلان‌شهرها بر توسعه منطقه‌ای از لحاظ شاخص‌های برازش مناسب است.

سیاسگزاری

نویسندگان مقاله از همکاری‌های کارشناسان سازمان برنامه‌بودجه، وزارت راه و شهرسازی، و کمیته آمایش سرزمین مجتمع تشخیص مصلحت نظام سیاسگزاری و قدردانی می‌کنند.

منابع

۱. الهی، پرستو، ۱۳۹۴، برنامه‌ریزی بخش مرکزی شهر تاریخی کرمان با رویکرد بهبود رقابت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
۲. خضرای شولای فر، مریم و کرکه آبادی، زینب، ۱۳۹۷، بررسی عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری شهری براساس مدل پیشنهادی Saez با تکیه بر مفهوم (Coopetition) مطالعه موردی: شهر تهران، <https://civilica.com/doc/1165287>
۳. سکاران، اوما، ۱۳۸۸، روشهای تحقیق در مدیریت، ترجمه محمدعلی صائبی و محمود شیرازی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران.
۴. شریف‌زادگان، محمدحسین و ندایی طوسی، سحر، ۱۳۹۴، چارچوب توسعه فضایی رقابت‌پذیری منطقه‌ای در ایران، مورد پژوهی: استان‌های ۳۰ گانه، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۲۰ (۳)، ۵-۲۰.
۵. غفاری فرد، محمد، ۱۳۹۷، بررسی روند سیاست گذاری توسعه و توازن منطقه ای طی برنامه های توسعه در ایران و ارائه راهبردهای اساسی، فصل نامه علمی مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۹، شماره ۳، صص ۴۱-۲۱.
۶. منصور، سهیلا، ۱۳۸۹، سیر تهیه و تصویب قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه، مجله برنامه، سال نهم، شماره ۴۰۲.
7. Elahi, P., 2014, Programming of the central part of the historical city of Kerman with the approach to improving competitiveness, Master's thesis, Urban Planning, Tarbiat Modares University [In Persian].
8. Khazraei Sholayfar, M. and Karkehabadi, Z., 2019, Investigating the Factors Affecting Urban Competitiveness Based on Saez Proposed Model Based on the Concept of Coopetition (Case Study: Tehran), <https://civilica.com/doc/1165287>.
9. Sakaran, O., 2009, Research Methods in Management, translated by Mohammad Ali Saebi and Mahmoud Shirazi, Higher Institute of Management Education and Research and Planning, Tehran.
10. Sharifzadegan, M. and Nedayi Tusi, S., 2015, The Spatial Development Framework of Regional Competitiveness in Iran, Case Study: 30 Thresholds, *Journal of Fine Arts - Architecture and Urban Planning*, 20 (3), 5-20
11. Ghaffari Fard, M., 2019, A Study of Development Policy Process and Regional Balance during Development Programs in Iran and Presentation of Basic Strategies, *Scientific Quarterly of Strategic Studies of Public Policy*, Volume 9, Number 3, pp. 21-41.
12. Mansuri, S., 2011, The process of preparing and approving the law of the fifth five-year development plan, *Program Magazine*, Ninth year, Number 402.
13. Alarcon, R. and Juan, L., 2012, Logistics competitiveness in a megapolitan network of cities A theatrical approach and some application in the central Region of Mexico, *procedia-Social and Behavioral*, 735-750.

14. Angel, S. and Blei, A., 2015, The spatial structure of American cities: The great majority of workplaces are no longer in CBDs, employment sub-centers, or live-work communities, *Cities*, 51: 21-35.
15. Balestra, R. and Arruda, A., 2012, City branding: strategic planning and communication image in the management of contemporary cities, Conference: Systems & Design: Beyond Processes and Thinking.
16. Baumann, C. and Winzar, H., 2016, The role of secondary education in explaining competitiveness. *Asia Pacific Journal of Education*, 36(1), 13-30.
17. Bristow, G., 2005, Everyone's a 'winner': problematising the discourse of regional competitiveness, *Journal of Economic Geography*, 285-304.
18. Bruneckiene, J.; Cincikaite, R. and Kilijoniene, A., 2012, The specifics of measurement the urban competitiveness at the national and international level. *Engineering Economics*, 23(3), 256-270.
19. Cibinskiene, A. and Snieskiene, G., 2015, Evaluation of city tourism competitiveness. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 213, 105-110.
20. Farrell, M.; Hettne, B. and Langenhove, L., 2005, *Global Politics of Regionalism Theory and Practice*, Pluto Press.
21. Gabor, M. R.; Conțiu, L. C., & Oltean, F. D., 2012, A comparative analysis regarding European tourism competitiveness: emerging versus developed markets. *Procedia Economics and Finance*, 3(12), 361-366.
22. Haghpanah, Y., 2018, Explaining the Effect of Institutional Components on Urban Land Management Pattern in Iran. *New Attitudes in Human Geography Quarterly*, No. 2 [In Persian].
23. Hu, R., 2016, Sustainability and competitiveness in Australian cities, University of Canberr.
24. Kapitsinis, N. and Metaxas, T., 2013, Territorial Competition: Theories, arguments, policies and lessons of the last 25 years. Retrieved from <http://www.sre.wu.ac.at/ersa/ersaconfs/ersa12/e120821aFinal00949.pdf>.
25. Kresl, P. and Singh, B., 2012, Urban Competitiveness and US Metropolitan Centres, *Urban Studies*, Vol. 49, No. 2, PP. 239-254.
26. Lang, R. and Knox, P. K., 2011, *The New Metropolis: Rethinking Megalopolis*, Volume 43, Issue 6: The Futures of the City Region, Published online.
27. Lengyel, I., 2016, Regional Competitiveness, *Innovation and Environment* (pp. 13-38, JATEPress), Szeged.
28. Lengyel, I., 2009, Bottom-up Regional Economic Development: Competition, Competitiveness and Clusters, In Z. Bajmócy, I.
29. Lengyel, I., 2016, Competitiveness of Metropolitan Regions in Visegrad Counties. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 223, 357-362.
30. Luck, M. and Wu, L., 2002, A gradient analysis of urban landscape pattern: a case study from the Phoenix metropolitan region, Arizona, USA, *Landscape Ecology*, 17: 327-339.
31. Mora, T., 2008, Explaining Within-country Regional Inequality in the European Union, *ScienzeRegional*, No. 7, pp. 51-69.
32. Ni, P., 2012, *Global Urban Competitiveness Report-2012*, Cheltenham/ Northampton: Edward Elgar Publishing.
33. Parkinson, M., & Boddy, M., 2004, Introduction. In M. Boddy, and M. Parkinson (Eds.). *City Matters: Competitiveness, Cohesion and Urban Governance*. (pp. 1-12). Bristol: Policy Pr.
34. Peng, L. and Zhanxin, M., 2011, The evaluation of city competitiveness in Shandong province. *Energy Procedia*, 5, 472-476.
35. Petrakos, G., 2009, Regional growth and inequalities in the European Union, *Discussion PaperSeries*, 15(2), 23-44.
36. Porter, M., 1998a, Cluster and the new economics of competition, *Harvard Business Review*.
37. Porter, M., 1998b, *On Competition*, Harvard Business School Press, Boston.
38. Porter, M. E., 1990, The competitive advantage of nations, *Harvard Business Review*, 74-91.
39. Purwanti, A. and Genoveva, A., 2017, An evaluation of city branding to reinforce the city competitiveness (a case study of Surabaya). *The IRES international conference*, 36-41.

40. Sadyrtidinov, R. and Rodnyansk, D., 2014, Integration Processes as A Factor of Regional Development. *II.th Global Conferece on Business, Economice, Managmentand Tourism*, Prague, Czech Republic, 772-777.
41. Sáez, L., & Perriáñez, I., 2015, Benchmarking urban competitiveness in Europe to attract investment. *Cities*, 76-85. Singhal, S.; McGreal, S. and Berry, J., 2013, An evaluative model for city competitiveness: Application to UK cities. *Land Use Policy*, 30(1), 214-222.
42. simmie, J., 2016, Competitive cities in the Global Economy, *European planning studies*.
43. Taylor, P., 2012, *Competition and cooperation between cities in Globalization*. Research Bulletin Cheltenham, UK.
44. UN HABITAT, 2015, *Enhancing the competitiveness of cities, urban economy branch*, Discussion paper 4, October.
45. World Economic Forum, 2013, *The Global Competitiveness Report 2013-2014*. Geneva: world Economic Forum.
46. World Economic Forum, 2014, *The Competitiveness of Cities. A report of the Global Agenda Council I on Competitiveness*.

